



چگونه برنامه «کتاب باز» توانست بعد از گذشت ۴ سال همچنان جذاب باقی بماند؟

جای خالی‌ای که سرانجام پر شد



مرجان فاطمی
روزنامه نگار

➤ **مشخص شدن مخاطبان هدف**

کتاب باز از یک جایی به بعد، مخاطبان هدف خودش را پیدا کرد. به گفته خود سروش صحت در حال حاضر دو موضوع مختلف درباره کتاب باز وجود دارد. گروه اول آن را دوست ندارند و تماشا نمی‌کنند اما گروه دوم که جزو دسته مخاطبان این برنامه هستند آن را خیلی دوست دارند و از فضا تعداد گروه دوم هم کم نیست. اظهار نظر مخاطبان در صفحه اینستاگرام کتاب باز، مویید همین مساله است. تمام کسانی که معتقد بودند کتاب باز باید به عنوان برنامه‌ای تخصصی در شبکه چهار یا آموزش روی آنتن می‌رفت حالا دیگر متفق القولند که اتفاقاً شبکه نسیم به چنین برنامه‌ای نیاز دارد. به برنامه‌ای که خارج از حیطه بحث‌های جدی و خشک مرسوم، با خیال راحت درباره داستان و شعر حرف بزند و بدون استفاده از عبارات تخصصی و سخت، به صورت کاملاً صمیمانه با مخاطبانش روبه‌رو شود. درواقع می‌توان گفت کتاب باز متعلق به گروهی از مردم جامعه است که به کتاب علاقه دارند اما بیشتر از این که خودشان را در فضای کتابخانه‌ها محصور کنند و به بحث‌های تئوریک تاملی نشان دهند صرفاً از خوانندگی لذت می‌برند و در همنشینی با شخصیت‌های داستانی مختلف وارد دنیایی می‌شوند که پراز خیال است و امیدواری و ...

است، صرفاً برای مخاطبانی جذابیت دارد که کتاب باز هستند و با فضای ادبیات احساس بیگانگی نمی‌کنند.

مهمان‌های مختلف، از کارشناسان ثابتی دعوت کرد و هر هفته در بخشی با آنها درباره شعر و رمان و حال خوب و ... وارد صحبت شد. این مساله به تخصصی شدن برنامه دامن زد و پای این نقدها را به میان کشید که که کتاب‌باز از شکل و شمایل يك برنامه بامزه و جذاب در حوزه کتاب، به سمت برنامه‌ای تخصصی در حرکت است و شاید برای مخاطبان شبکه نسیم جذابیتهای نداشته باشد.

کمرنگ شدن سلبریتی‌ها

سنگ بنای جذابیت

در فصل اول، زمانی که امیرحسین صدیق از داخل کتابخانه کوچک این برنامه به مخاطبانش سلام کرد، این سنگ بنا گذاشته شد که کتاب باز شبیه هیچ کدام از برنامه های قبلی حوزه کتاب نیست، اصلاً مجری برنامه، آدم خیلی کتاب بازی نیست و دلش می خواهد با مهمان ها در این باره گپ بزند که چرا کتاب نمی خوانند؟ البته که همان فصل اول هم در این سطح باقی نماند و پای صحبت های جدی تری در حوزه کتاب هم به میان آمد. در فصل دوم، با ورود سروش صحت به عنوان یک مجری کاملاً کتاب باز، وضعیت تاحدودی تغییر کرد. حالا دیگر صحبت ها محدود به دلایل کتاب نخواندن مهمان ها نبود و اتفاقاً گپ و گفت ها به این سمت و سو رفت که چه بخوانیم و چگونه؟ چگونه از مطالبی که خوانده ایم استفاده کنیم؟ فصل سوم، قدمی، قدمی در این

گپ و گفت‌های غیررسمی

درواقع فصل چهارم کتاب باز، کماکان برنامه‌ای سرگرم‌کننده بود منتها دایره مخاطبان هدف این سرگرمی، تنگ‌تر شد و این وضعیت با شکل‌گیری میزگردهای روزهای چهارشنبه، قوت بیشتری گرفت. این میزگردهای غیررسمی، به محفلی تبدیل شد که عاشقان شعر و داستان، از منظر دیگری به داستان‌ها و شعرها و نویسنده‌ها و شاعران مورد علاقه‌شان نگاه کنند و به شکل دیگری آنها را بشناسند. بینوایان، آرزوهای بزرگ، قصه‌های مجید... جزو آثاری هستند که اکثر مخاطبان کتابخوان آنها را خوانده و درباره‌شان اطلاعاتی دارند اما حتی همین آثار هم وقتی در میزگردهای چهارشنبه‌ها از نقطه نظرهای گوناگون مورد بررسی قرار می‌گرفتند بسیار جذاب‌تر به نظر می‌رسیدند.

در انتظار فصل‌های بعد

فصل چهارم کتاب باز هفته گذشته به پایان رسید اما یک باور در میان تولیدکنندگان برنامه، مدیران تلویزیونی و مخاطبان شکل گرفته که برخلاف بسیاری از برنامه‌ها که عمرشان بعد از مدتی تمام می‌شود و چاره‌ای جز تعطیلی ندارند، کتاب باز می‌تواند تا ابد ادامه پیدا کند. این برنامه بعد از گذشت چهار فصل، هنوز خسته‌کننده نشده و به تکرار نرسیده است. هنوز هم ایده‌های جذابی برای ادامه آن وجود دارد و با هر کدام از این ایده‌ها می‌شود در فصل‌های مختلف، برنامه را ادامه داد و مدام به تعداد مخاطبان آن افزود. حالا دیگر بعد از گذشت چهار فصل می‌توانیم با قدرت بگوئیم واقعا جای برنامه‌ای مثل کتاب باز در تلویزیون خالی بود.

[illegible]